

## تحلیل سیاسی هفته (۳۹)

### روسیه و مصر نزدیکی به یکدیگر؛ تکرار دوباره تاریخ

#### مقدمه

سفر اخیر وزرای امور خارجه و دفاع روسیه به مصر از مهمترین تحولات خاورمیانه در هفته‌های اخیر به حساب می‌آید. حضور مقامات عالیرتبه روسیه در این کشور پس از ۴۰ سال و در زمانی صورت می‌گیرد که منطقه در اوج بحران قرار دارد. از سوی دیگر مقصد این سفر کشوری است که در مظان انجام یک کودتا علیه دولت قانونی محمد مرسی به‌عنوان نماینده جریان اخوان المسلمین است. از نظر برخی کارشناسان، این سفر می‌تواند روسیه را وارد حوزه‌ای نماید که به شکل سنتی در مدار نفوذ غرب بوده است؛ (البته لازم به ذکر است که در زمان اتحاد جماهیر شوروی و زمانی که جمال عبدالناصر متحد روس‌ها شده بود و حتی در برهه‌ای از حکومت انورسادات روس‌ها در مصر نفوذ داشتند) لکن صحنه منطقه‌ای نشان از این دارد که با مخدوش شدن روابط ایالات متحده با مصر و تا حدودی با عربستان سعودی فرصتی برای روس‌ها فراهم شده است تا بتوانند به تدریج جای پای خود را در میان اعراب و از آن جا در کل منطقه باز نمایند. اکنون این پرسش بیش از گذشته مطرح است که چرا روسیه در ابتدای جریان بیداری اسلامی موضع منفعلانه‌ای اختیار کرده بود. اکنون با وقوع چه رویداد و حادثه‌ای این منطقه برای مسکو دارای اهمیت شده است؟ همچنین اعراب محافظه‌کار که به شکل سنتی همواره مواضع ضدروسی داشته و در راستای منافع دولت‌های غربی عمل می‌کردند ظرف چند ماه اخیر بر چه اساس نگاه به شرق را دنبال می‌کنند؛ درواقع چه تحولاتی در منطقه به وقوع پیوسته است که آنها به روسیه گرایش پیدا کرده‌اند؟ در هر حال این پرسش و پرسش‌های دیگر نشان از این دارد که نظم منطقه‌ای در حال یک چرخش بی‌سابقه است که می‌تواند آینده منطقه را دگرگون کند. از این رو باید شاهد چینش‌های جدید و توازن قوای متفاوت از گذشته در منطقه باشیم.

#### نگاه روسیه به خاورمیانه و شمال آفریقا

سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا مراحل گوناگونی را تا به امروز طی کرده است که در سه مرحله قابل تحلیل و بررسی است؛ مرحله نخست، مرحله تعارض یا معارضه‌جویی است که در زمان حیات اتحاد جماهیر شوروی، سال‌های جنگ سرد و تقابل دو بلوک غرب و شرق دنبال شد. این مرحله با ایجاد حوزه نفوذ، فشار بر رقیب، درک تهدیدات از منظر ایدئولوژیک و ایجاد بازدارندگی در مقابل بدیل قدرت جهانی با توجه به امکاناتی که مسکو در اختیار داشت، دنبال می‌شد؛ (اما به‌عنوان نمونه در این دوره روسیه با جمال عبدالناصر در مصر روابط نظامی و اقتصادی پایداری برقرار کرده بود؛ اتحاد شوروی از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۷۲ میلادی به مصر کمک‌های نظامی و فنی می‌رساند) اما در این مقطع زمانی اولویت حیاتی اتحاد جماهیر شوروی با وجود همه تقابله‌جویی‌های موجود در خاورمیانه متمرکز نشده بود و اروپای شرقی در اولویت نخست و امور خاورمیانه و شمال آفریقا در اولویت بعدی سیاست خارجی شوروی قرار داشتند.

مرحله دوم پس از فروپاشی شوروی است که با عنوان سیاست همراهی با غرب مشخص می‌شود. با ریاست‌جمهوری بوریس یتسین این سیاست در خاورمیانه جای معارضة‌جویی را گرفته و متغیرهای دیگر وارد سیاست خارجی روسیه در این منطقه می‌شود. لذا در این دوران می‌توان روندهای بارزی را همچون خوش‌بینی به غرب و همکاری با آن، تلاش برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های غرب به‌منظور بازسازی اقتصادی و الگوبرداری از نظام آزاد اقتصادی را مشاهده کرد. در واقع با توجه به شرایط روسیه در آن مقطع زمانی سیاست همکاری و همراهی با غرب با نگاهی به درون اولویت می‌یابد و اگر روسیه حساسیت‌هایی در منطقه دارد، بیشتر به حوزه خارج نزدیک آن مربوط می‌شود. به‌عبارت دیگر حتی در این دوران نیز شاهد فعالیت جدی مسکو در محیط خاورمیانه و شمال آفریقا نیستیم.

در مرحله سوم روسیه وارد کارزار رقابت می‌شود که با به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین این مرحله آغاز می‌شود. در این دوره گرچه کرملین سیاست همکاری با غرب را دنبال می‌کند؛ اما در عین حال تلاش ویژه‌ای برای احیا و اعاده حیثیت روسیه در عرصه جهانی و منطقه‌ای دارد؛ اگرچه فدراسیون روسیه در این مقطع ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ایفای نقش یک ابرقدرت را ندارد، اما از منظر یک قدرت منطقه‌ای و اثرگذار وارد معادلات منطقه‌ای می‌شود و درست در همین زمان است که اهمیت خاورمیانه و شمال آفریقا در سیاست خارجی روسیه خودنمایی می‌کند. با این حال روسیه تا قبل از بحران سوریه نگاه عمیق و راهبردی به تحولات جهان عرب نداشت؛ اما بعد از فعل و انفعالاتی که در خاورمیانه در حوزه سوریه واقع شد مسکو به این واقعیت رسید که ممکن است دیگر جایگاهی در خاورمیانه - شمال آفریقا و خصوصاً حوزه مدیترانه (بندر طرطوس) نداشته باشد. در واقع روسیه به شدت درخصوص سوریه از خود مقاومت نشان داد. لکن باید اشاره کرد که حوزه مدیترانه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا تنها کانون و حوزه مهم دستیابی سریع روسیه در مواقع بحران به دریاهای آزاد است. چرا که عبور از مسیرهای جایگزین آسیب‌ها و هزینه‌های بسیاری را متوجه روسیه خواهد کرد. در واقع این حوزه برای روسیه نه تنها اهمیت ژئوپلیتیک دارد بلکه از ارزش ژئواستراتژیک نیز برخوردار است. با تقویت واقع‌گرایی در دستگاه سیاست خارجی روسیه، این کشور به دنبال گسترش پایگاه‌های نفوذ خود در دیگر نقاط حوزه مدیترانه برآمده است. در چنین شرایطی مصر در اولویت نخست این گسترش قرار گرفته است.

## روسیه، اعراب و ایالات متحده

پس از انقلاب ۲۵ ژانویه و به قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین در مصر سیاست نگاه به شرق در دستور کار دولت محمد مرسی قرار گرفت؛ اما در آن زمان نه چین همراه دولت مرسی شد و نه در سفر مرسی در اردیبهشت ۱۳۹۲ به روسیه دستاوردی حاصل شد؛ حتی در آن زمان درخواست مرسی برای دریافت دو میلیارد دلار وام، آرد و حبوبات توسط مسکو رد شد. لکن عدم توفیق دولت اخوان‌المسلمین و رویکردهای تندروانه داخلی آن، جنبش تمرد را علیه دولت شکل داد. در نهایت با سوءاستفاده ارتش از اعتراضات مردمی عمر نخستین دولت پس از سقوط مبارک از طریق کودتا پایان یافت؛ اما این کودتا سبب شد ایالات متحده تحت فشار کنگره، افکار عمومی و همچنین اتحادیه اروپایی در ۹ اکتبر سال ۲۰۱۳ اعلام کند که ارائه سامانه‌های نظامی و کمک‌های نقدی خود به ارتش مصر را که براساس توافق کمپ دیوید از دوره انور سادات انجام می‌داد را مشروط به برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک در این کشور نماید.

تحت چنین شرایطی، هم قاهره و هم مسکو درصدد برآمده‌اند که با استفاده از خلأ ناشی از سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه و شمال آفریقا، منافع خود را در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تأمین نمایند؛ در واقع اعراب که در چند ماه گذشته از سیاست‌های غرب در خاورمیانه و شمال آفریقا ناخشنود شده‌اند، سعی دارند روسیه را به‌عنوان بازیگری که وزن آنها را در مقابل غرب و خصوصاً ایالات متحده افزایش می‌دهد وارد صحنه سیاسی خاورمیانه عربی کنند؛ بنابراین نظامیان مصر که حمایت‌های بی‌دریغی را از سوی دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس دریافت می‌کنند (پس از سقوط مرسی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی ۱۲ میلیارد دلار به مصر کمک کرده‌اند) سعی دارند هشدارهای اساسی به غرب بدهند. در این میان آنچه به کمک نظامیان مصری آمده نظر مثبت اغلب مردم مصر نسبت به رابطه با

روسیه است به شکلی که در جریان سفر اخیر لاوروف و شویگو مردم قاهره تصاویری از ژنرال السیسی به همراه ولادیمیر پوتین را به نمایش درآوردند.

در این میان روسیه با چشم دوختن به بندرهای مدیترانه‌ای مصر و از سرگیری مناسبات نظامی با قاهره، درصدد یافتن جای پای محکم در منطقه است. درواقع مسکو به دنبال این است که با ورود به مصر مجدداً دوران نفوذ اتحاد جماهیر شوروی را احیا کند. به همین دلیل نیز در اولین سفر وزیر امور خارجه روسیه به مصر بعد از ۴۰ سال، وزیر دفاع نیز وی را همراهی می‌کند. نکته مهم در دیدارهای اخیر مقامات مسکو و قاهره مربوط به امکان ایجاد پایگاه روسیه در خاک مصر بود که مورد بررسی قرار گرفت و همچنین توافق شد که فعالیت کمیسیون بین دولتی همکاری‌های تجاری - اقتصادی دو کشور از سر گرفته شود.

## جمع‌بندی

به‌طور کلی نزدیک شدن روسیه به مصر را می‌توان در قالب چهار سناریو محتمل جمع‌بندی کرد. براساس سناریو نخست، درواقع سیاست‌های ایالات متحده نسبت به خاورمیانه و شمال آفریقا تغییر کرده است. اولویت اول دستگاه سیاست خارجی آمریکا از خاورمیانه به سمت آسیا - پاسیفیک سوق پیدا کرده و خاورمیانه در مرحله بعدی قرار گرفته است؛ ایالات متحده در حال حاضر در فکر مهار چین و حوزه پیرامونی این کشور است. درواقع واشنگتن به دنبال این است که در آن منطقه نوعی توازن قوا ایجاد کند. همچنین سیاست ایالات متحده در خاورمیانه به سمت رفتن به حوزه‌های محیطی جدید و برقراری رابطه‌ای مستحکم با قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه است. به‌عنوان نمونه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در حوزه مدیترانه‌ای ایالات متحده دو محیط نفوذ در نظر گرفته شده است. نخست، نفوذ در کشور تونس که به شکل سنتی حوزه نفوذ فرانسه بود و دوم، نفوذ به سوریه؛ از طریق این دو کشور هم مدیترانه و هم اتحادیه اروپایی تحت کنترل آمریکا درخواهد آمد.

سناریو دوم معطوف به تقسیم قدرت خاورمیانه میان روسیه و ایالات متحده است. براساس این سناریو که پس از جلوگیری مسکو از حمله نظامی ایالات متحده به سوریه قوت بیشتری پیدا کرد، حوزه نفوذ در خاورمیانه و شمال آفریقا میان روسیه و ایالات متحده تقسیم شده است.

سناریو سوم، که سناریو ناخشنودی اعراب از آمریکا و غرب نامیده شده است این نکته را مدنظر تحلیل خود قرار می‌دهد که اعراب از سیاست‌های ایالات متحده درخصوص دو موضوع نارضایتی دارند: نخست توافق غرب در مورد سوریه و عدم حمله نظامی به این کشور؛ دوم آغاز روند توافق میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱. به این جهت آنها سعی دارند از طریق مصر به غرب هشدار بدهند که اعراب نیز این توانایی را دارند که گزینه‌های متعددی را برای سیاست‌های خود اتخاذ نمایند و صرفاً دنباله‌رو غرب نباشند. درواقع این سناریو بر این تحلیل استوار است که مصر با پشتیبانی اعراب حاشیه خلیج فارس با بهانه قرار دادن عدم کمک‌های سالیانه ایالات متحده به این کشور قصد ارسال این پیام به غرب را دارد که همراهی اعراب در منطقه با آمریکا منوط به اجرای خواسته‌های آنهاست.

سناریو چهارم، ضمن نفی تمام سناریوهای بالا براین فرض استوار است که مصر صرفاً جهت تنوع و تأمین نیازهای خود با روسیه ارتباط برقرار کرده است و این رابطه تأثیری بر رابطه قاهره با ایالات متحده ندارد. درواقع سناریو چهارم این نزدیکی و رابطه را بسیار محدود به حوزه مصر دانسته و از این رو قائل به ارتباط میان این موضوع با دیگر عناصر و متغیرهای خاورمیانه و شمال آفریقا نیست.

صرف‌نظر از اینکه کدامیک از این سناریوها به واقعیت نزدیکتر است باید تأکید کرد که خاورمیانه با شرایط و محیط کاملاً جدیدی روبرو شده است و در این میان روسیه قصد دارد تا از شرایط جدید به بهترین نحو برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاست خارجی خود بهره ببرد.